

## انترناسیونالیسم جدید

### روبن مارکاریان

در بررسی "مارکس و انترناسیونالیسم" گفتیم که مارکس اولین صاحب نظر اجتماعی بود که جهانی شدن مناسبات سرمایه داری را مورد بررسی قرار داده و در برابر آن و برای مقابله با آثار مصیبت بارش در سطح جهانی استراتژی انترناسیونالیسم را مطرح کرد. در پایان بررسی مطرح کردیم که "تحلیل مارکس نشان می دهد که جهانی شدن سرمایه داری نه یک نقطه پایان تاریخی برای نظم سرمایه داری بلکه روندی جاری است که در بطن خود اضداد را به صورت انترناسیونالیسم طبقه کارگر خلق می کند. در دهه پایان قرن بیستم که سرمایه دای سرود پیروزی سر می داد چنین ادعائی چندان جدی گرفته نمی شد. اما اکنون به میزان زیادی دوره این پیروخوانی سپری شده است. از سال اول قرن جدید که در آن پا نهاده ایم آشکار است که شبیحی بر فراز جهانی شدن سرمایه داری در حال حرکت است. شبیح انترناسیونالیسم جدید!"

حال به بررسی این "شبیح" یا انترناسیونالیسم جدید می پردازیم. پس از فروپاشی بلوک شرق و اتحاد شوروی سابق مدافعین نظام سرمایه داری بر طبل پیروزی کوبیده و از پایان "مبارزه طبقاتی"، پایان "عصر انقلابات"، "پایان امپریالیسم" و حتی پایان "تاریخ" و سخن کوتاه "پایان گرائی" داد سخن می دادند. آن ها وعده می دادند که با "اقتصاد جدید" عصر اطلاعات یا همان "اقتصاد نئولبرالی" بحران های دوره ای سرمایه داری پایان یافته و جهان وارد دوره ای از رشد توأم با رونق و رفاه شود... "سرمایه داری جدید" به زعم آن ها به مدد موتورهای محرک خود یعنی انحصارات چندملیتی جهان را در زیر نگین مناسبات نوین قرار داده و به کلیه دردها و آلام نوع بشر پاسخ خواهد داد!

اما درست در برزخ پایان قرن بیستم و مدخل قرن بیست و یکم هنگامی که دولت آمریکا و سایر دول سرمایه داری با اطمینان خاطر در حال برگزاری اجلاس "سازمان تجارت جهانی" در شهر سیاتل آمریکا بوده و تردیدی نداشتند که از طریق اعمال یک سیاست عمومی تجاری نئولبرال، جهانی شدن سرمایه داری را به چهارگوشه جهان تسری داده و دروازه های همه کشورها را بی هیچ مانع و رادعی بر روی تاخت و تاز مهارگسیخته انحصارات چندملیتی خواهند گشود، ناگهان با غرش یک اعتراض توده ای گسترده و بی نظیر، که به هیچ وجه انتظارش را نداشتند، غافلگیر شدند. جنبش اعتراضی سیاتل که اجلاس "سازمان تجارت جهانی" را به شکست کشاند به شبیح انترناسیونالیسمی مبدل شد که از آن پس بر فراز کشورهای معظم سرمایه داری به حرکت در آمده است. این جنبش انترناسیونالیستی جنبشی است تکثرگرا که از عناصر گوناگون طبقاتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک تشکیل شده است و در کلی ترین نگاه مصب پیوند سه عنصر مبارزاتی مکمل و مهم است که عبارتند از جنبش اعتراضی جوانان علیه مصائب نظام سرمایه داری معاصر، جنبش کارگری و سندیکائی علیه تعرض سرمایه داری به سطح زندگی و حقوق کارگران (که در بیش از یک قرن و نیم مبارزه علیه سرمایه داری به دست آمده است) و جنبش های اجتماعی علیه سرمایه داری معاصر که هر یک متوجه جوانب ضداجتماعی و انگلی سرمایه داری معاصر علیه شهروندان جهان معاصر هستند!

این حقیقت که جنبش انترناسیونالیستی جدید در آمریکا یعنی در دژ اصلی سرمایه داری معاصر و از طریق شرکت فعال شهروندان آمریکائی شروع شد اهمیت و قدرت انترناسیونالیسم جدید را به نمایش می گذارد. در ابتدا گفتیم که "در دهه پایان قرن بیستم که سرمایه دای سرود پیروزی سر می داد" سخن از تولد یک

جنبش انترناسیونالیستی جدید در برابر فرازهای موج جهانی شدن سرمایه‌داری چندان جدی گرفته نمی‌شد. اما انترناسیونالیسم جدید دیگر یک تئوری، یک فرضیه، و یا آرزوی "مارکسیست‌هایی که تئوری آن‌ها به شکست کشیده شده است" نیست بلکه جنبشی واقعی و عملی است که در دو سال اخیر گام به گام سازمان‌یافته‌تر و نیرومندتر شده است. شبخ این انترناسیونالیسم که در جنوای ایتالیا و با شرکت ۳۰۰ هزار نفر نیروی معترض، اجلاس سران هشت کشور صنعتی را به آن وضع فلاکت بار دچار ساخت گواهی است بر نیروی حیاتی انترناسیونالیسم جدید. انترناسیونالیسمی که در برابر موج جهانی شدن سرمایه‌داری دوره اخیر شروع شده است و جدی بودن خود را گردانندگان سرمایه‌داری جهانی تحمیل کرده و می‌کند. باز هم به جوانب گوناگون انترناسیونالیسم جدید باز خواهیم گشت!